

تمهیدات دفاعی امنیتی روسیه در رویارویی با گسترش ناتو به شرق

دکتر مهدی اسماعیلی* - وحید فرید** - مهدی کردی***

چکیده

پیمان‌های نظامی در جهان کنونی از اهمیت زیادی برخوردار است. پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، بعد از فروپاشی بلوک شرق به عنوان قوی‌ترین اتحاد نظامی جهان، اهمیت به سزایی پیدا کرده است. با آنکه این پیمان در مقابل پیمان ورشو شکل گرفته بود و انتظار می‌رفت بعد از انحلال پیمان ورشو، این پیمان هم خود اعلام انحلال کرده یا حداقل محدود شود، ولی این روند برعکس شد به طوری که این پیمان به سمت گسترش پیش رفت. روسیه که منافع حیاتی خود را در خطر می‌دید، طیف وسیعی از اقدامات را به منظور مقابله با این جریان به کار بست. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از نظریه نئورئالیسم کنت والتز، علل مقابله روسیه با فرایند گسترش ناتو به شرق، تبیین می‌گردد. به نظر می‌رسد که تدوین و برنامه‌ریزی دکترین‌های متعدد دفاعی-امنیتی روسیه، پیگیری تمهیدات دیپلماسی چند جانبه در منطقه آسیای مرکزی یعنی پیمان شانگهای با اتخاذ رویکرد دفاعی-امنیتی، رقابت تسلیحاتی و نظامی ناتو، مخالفت با پیوستن جمهوری‌های سابق شوروی به ناتو، و مقابله با برنامه سپر دفاع موشکی ناتو در اروپای شرقی، از تمهیدات دفاعی-امنیتی روسیه به منظور مقابله با فرایند گسترش ناتو به شرق می‌باشد.

کلید واژگان: گسترش ناتو به شرق، تمهیدات دفاعی امنیتی روسیه، رقابت‌های نظامی

تسلیحاتی.

*. دکتر مهدی اسماعیلی، استاد و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر است. (نویسنده مسئول)

Dresmaeli@yahoo.com

** وحید فرید، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی آمل. drvahidfarid@ymail.com

*** مهدی کردی، فارغ التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

mahdikordi1366@gmail.com

تمهیدات دفاعی امنیتی روسیه در رویارویی با گسترش ناتو به شرق

* مهدی اسماعیلی

** وحید فرید

*** مهدی کردی

دیباچه

پیمان‌های نظامی در جهان کنونی از اهمیت زیادی برخوردار است. پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، بعد از فروپاشی بلوک شرق به عنوان قوی‌ترین اتحاد نظامی جهان، اهمیت به سزایی پیدا کرده است. با آنکه این پیمان در مقابل پیمان ورشو شکل گرفته بود و انتظار می‌رفت بعد از انحلال پیمان ورشو، این پیمان هم خود اعلام انحلال کرده یا حداقل محدود شود، ولی این روند برعکس شد به طوری که این پیمان به سمت گسترش پیش رفت. در حوزه غرب و اقیانوس اطلس که این پیمان در آنجا حضور داشت، نیل به گسترش به سمت شرق

*. دکتر مهدی اسماعیلی، استاد و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر است. (نویسنده مسئول)
dresmaeli@yahoo.com

** وحید فرید، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی آمل.
drvahidfarid@ymail.com

*** مهدی کردی، فارغ التحصیل کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
mahdikordi1366@gmail.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دوازدهم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۶۶ - ۱۳۱

و حوزه نفوذ شوروی سابق عجیب به نظر می‌رسید. این گسترش که از اهداف جهان سرمایه داری لیبرال نشأت می‌گرفت با چالش‌های بزرگی روبه‌رو شده است. از جمله مهم‌ترین چالش‌های گسترش ناتو می‌توان به برانگیخته شدن مخالفت روسیه و تلاش گسترده این کشور برای مقابله با این فرایند، با استفاده از راهکارهایی نظیر تمهیدات دفاعی امنیتی شامل دکترین‌های دفاعی امنیتی این کشور که در ذیل این دکترین‌ها روسیه اقدام به برنامه‌ریزی طولانی مدت برای مقابله با فرایند گسترش، انجام رقابت‌های تسلیحاتی با ناتو، و تلاش برای انعقاد قراردادهای نظامی اقتصادی امنیتی با کشورهای حوزه شرق و مخالفت با پیوستن گرجستان به ناتو اشاره نمود. از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین دلایل روسیه برای رقابت دفاعی امنیتی با ناتو، ترس این کشور از به هم خوردن کفه موازنه قدرت به نفع دنیای غرب و تلاش روسیه برای حفظ موازنه قدرت امنیتی با غرب و ناتو است. گسترش ناتو به سوی شرق، افزون بر اینکه نگرانی‌هایی برای روسیه پدید آورده، باعث شده تا روسیه تا اقداماتی را برای مقابله با این فرایند به کاربندد. علت مقابله روسیه با فرایند گسترش ناتو را میتوان در چند عامل دسته بندی نمود. عامل اول شامل ترس روسیه از انزوا و محاصره این کشور توسط تسری موج گسترش به شرق به کشورهای بلوک شرق و اقمار شوروی سابق است. عامل دوم شامل ترس روسیه به دلیل از دست رفتن حیات خلوت سستی این کشور در مناطقی نظیر اروپای مرکزی و اروپای شرقی و منطقه قفقاز است. عامل سوم تجربه انقلاب‌های رنگین در این مناطق و ترس از صدور موج دموکراسی خواهی به درون مرزهای روسیه است. عامل چهارم منافع اقتصادی روسیه در این مناطق و ترس از به خطر افتادن آنها توسط حضور رقبای قدرتمندی نظیر امریکا و ناتو در این مناطق است. عامل دیگر ترس از به خطر افتادن هژمونی روسیه در این مناطق و تسلط یافتن امریکا و ناتو بر مناطق استراتژیکی نظیر مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و اوکراین می‌باشد.

به همین جهت روسیه طیف وسیعی از اقدامات را به منظور مقابله با این جریان که منافع استراتژیکی این کشور را به خطر می‌اندازد به کار بسته است تا از فرایند جلوگیری به عمل بیاورد یا حداقل سرعت آن را کند نماید. در فاز اقدامات دفاعی امنیتی روسیه تلاش می‌کند تا با اقداماتی نظیر تدوین چشم اندازهای دفاعی امنیتی به برنامه‌ریزی برای تدوین سیاست کلان مقابله با گسترش ناتو و درذیل آن برنامه‌ریزی برای رقابت تسلیحاتی با

ناتو، انعقاد قراردادهای دفاعی امنیتی با کشورهای حوزه شرق نظیر منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، حضور در ترتیبات منطقه ای نظیر پیمان شانگهای و تلاش برای تقویت بعد دفاعی امنیتی آن به منظور رقابت با ناتو، تلاش برای میلناریزه کردن شرایط منطقه قفقاز نظیر آنچه که در جنگ اوت ۲۰۰۸ میلادی صورت پذیرفت به منظور به تعویق انداختن عضویت گرجستان در ناتو و مقابله با طرح سامانه دفاع موشکی ناتو در اروپای شرقی، با گسترش ناتو به شرق مقابله بنماید.

در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی ابتدا در بخش چارچوب نظری به بررسی تئوری نئو رئالیسم کنت والتز پرداخته می‌شود تا به وسیله آن علل مقابله روسیه با فرایند گسترش ناتو به خوبی تجزیه و تحلیل گردد و سپس در امتداد آن به بررسی اجزای تمهیدات دفاعی و امنیتی روسیه نظیر تدوین و برنامه‌ریزی دکترین‌های دفاعی امنیتی روسیه، رقابت نظامی تسلیحاتی روسیه با ناتو، حضور در پیمان شانگهای و تلاش برای تقویت بعد دفاعی امنیتی آن، مخالفت با پیوستن گرجستان به ناتو جنگ اوت ۲۰۰۸ میلادی و در نهایت مقابله با برنامه سامانه دفاع موشکی ناتو پرداخته می‌شود.

الف- چارچوب نظری پژوهش

داده‌ها و اطلاعات این پژوهش بر اساس نو واقع‌گرایی کنت والتز تجزیه و تحلیل می‌شود. بر این اساس واقع‌گرایی در اوایل دهه ۱۹۸۰ به عللی نظیر ورود جنگ سرد به مرحله نوین و رقابت تسلیحاتی میان شرق و غرب، در واکنش به رفتارگرایی و اندیشه‌های افراطی و موضوع وابستگی متقابل، تجدید حیات یافت. این دیدگاه نظری (نواقع‌گرایی) بیشتر مربوط به تحریرات کنت والتز به ویژه اثر پر نفوذش (نظریه سیاست بین‌الملل، ۱۹۷۹) است. در حالی که نو واقع‌گرایی خیلی از ویژگی‌های واقع‌گرایی کلاسیک نظیر دولت به عنوان بازیگر اصلی صحنه سیاست بین‌الملل و قدرت را به صورت مفهوم تحلیلی - محوری حفظ نموده، ولی عمدتاً توجهات را به مختصات ساختاری نظام بین‌الملل دولت‌ها معطوف می‌کند، نه به واحدهای متشکل آن (قوام، ۱۳۹۰: ۸۴).

مقصود از مفهوم ساختار در اینجا، نظم‌دهندگی با ترتیب اجزاء یک نظام است. از نظر

والتر این فشارهای ساختاری خود نظام جهانی، نه ویژگی‌های واحدهای متشکله خاص است که در مقیاسی وسیع رفتار دولت را توضیح داده و بر نتایج بین‌المللی اثر می‌گذارد. وی می‌گوید که از طریق به تصویر کشیدن یک نظام سیاسی بین‌المللی به طور کلی، با سطوح ساختاری و واحدی که متمایز در عین حال مرتبط به هم می‌باشند، نواقح‌گرایی استقلال عملی را برای سیاست بین‌الملل در نظر می‌گیرد و نظریه پردازی در مورد آن را امکان‌پذیر می‌سازد. نواقح‌گرایی ساختار سیستمی را توسعه می‌دهد که طی آن بتوان فهمید چگونه ساختار نظام و تنوعات در آن، واحدهای تعاملی و نتایجی را که آنها به بار می‌آورند تحت تأثیر برای انجام اقدامات خاص، مادامی که به سوی دیگران می‌کشاند، تحت فشار قرار می‌دهد، به عبارت دیگر این ساختار است که روابط سیاسی واحدهای متشکله را تشکیل بخشیده، تحت فشار قرار می‌دهد (قوام، ۱۳۹۰، ۸۵).

از سوی دیگر نواقح‌گرایان در مورد همکاری در نظام بین‌الملل معتقدند، در نظام آنارشیک بین‌الملل امکان همکاری بسیار محدود است. با وجود اینکه دولت‌ها ممکن است از همکاری و همکاری‌های گوناگون سود ببرند، اما عواید این همکاری‌ها تحت‌الشعاع منافع سیاسی قرار می‌گیرد. دولت‌ها همواره از چگونگی توزیع عواید ناشی از همکاری نگران‌اند و از آن می‌ترسند که دیگران بیشتر از آنها از همکاری سود ببرند. بنابراین به رغم آنکه ممکن است سود یا دستاورد مطلق ناشی از همکاری زیاد باشد، اما برای آنها آنچه اهمیت بیشتری دارد دستاورد نسبی است که اگر به زیان آنها باشد، مانع از همکاری یا تداوم آن خواهد شد (مشیرزاده ۱۳۹۱، ۱۱۶).

از سوی دیگر میان دیدگاه‌های مهم واقع‌گرایی، بحث‌های عمده‌ای مطرح است که نشان می‌دهد، واقع‌گرایان چگونه به روابط بین‌الملل و به ویژه روابط میان قدرت‌های بزرگ پس از جنگ می‌نگرند، بحث بر سر گسترش ناتو به شرق که شامل جمهوری‌های اروپای شرقی و مرکزی است، یکی از این مباحث می‌باشد، این موضوع، بغرنج و از پاره‌ای دیدگاه‌ها مسئله‌ای فوق‌العاده فنی (با توجه ویژه به تجهیزات و توسعه نیروی نظامی) است. در این زمینه مخالفان گسترش ناتو به شرق معتقدند گسترش ناتو به شرق باعث می‌شود تا روسیه برای تأمین امنیت خود به شیوه جنگ سرد و جلوگیری از این گسترش، طرح‌ها و اقدامات

زیادی را انجام دهد. همان‌طور که سناتور آمریکایی استراب تالبوت می‌گوید: «اشتباه در تعریف امنیت خود در مقابل هر کس دیگر (جکسون و سورنسن، ۱۳۹۰، ۱۲۲-۱۲۱).

اما درباره مقابله روسیه با گسترش ناتو به شرق باید گفت: سیاست‌های امنیتی روسیه در برابر گسترش ناتو به شرق، با نظریه نواقعه‌گرایی به بهترین گونه، تحلیل شدنی است. روسیه که پیش از این با پیمان ورشو به سادگی می‌توانست نیازهای امنیتی خود را در برابر غرب برآورد، امروز دچار ترس‌ها و نگرانی‌های ژرف امنیتی شده است. در این بخش به این نکته می‌پردازیم که روسیه در برابر ناتو چه راهکاری در پیش خواهد گرفت (ایمانی، ۱۳۸۹، ۱۲۶).

فرض ما بر این است که با گسترش ناتو به شرق، روسیه در خطر گرفته است و نگران امنیت خویش است. بر پایه رویکرد نواقعه‌گرایی، روسیه برای از میان برداشتن مشکل امنیتی خود در برابر گسترش ناتو، به مسائلی خواهد پرداخت که غرب به حساسیت بیشتری به آنها داشته باشد و به گونه‌ای برای غرب و ناتو تهدید شناخته شود. پس فشار سیستمیک نظام بین‌الملل، کارکرد کمابیش یکسان این دو بازیگر یعنی روسیه از یک سو و ناتو به سرکردگی آمریکا را از سوی دیگر در پی خواهد داشت (ایمانی، ۱۳۸۹، ۱۲۶).

ب- تبیین مفهومی دلایل مخالفت روسیه با گسترش ناتو به شرق

روسیه و چین از جمله کشورهایی هستند که گسترش ناتو به شرق را در تعارض با امنیت ملی خود می‌دانند و معتقد هستند که گسترش ناتو را در تعارض با امنیت ملی خود می‌دانند و معتقد هستند که ناتو در پی گسترش خود، اهدافی غیراعلامی و خاصی را دنبال می‌کند، در این میان روسیه بیش از چین بر روی گسترش ناتو به شرق حساسیت دارد و موضع گیری‌های قاطعانه‌ای را در این مورد اتخاذ می‌کند. اگرچه روسیه همواره از تعاملات سازنده با ناتو و همکاری امنیتی با آن سازمان استقبال کرده و در همین راستا در سال ۲۰۰۲ به عضویت شورای ناتو - روسیه درآمد و نخبگان سیاسی روسیه بر تعاملات سازنده در موضوع مبارزه با تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و تاکید کردند، اما روسیه همواره و قاطعانه حضور مستقل ناتو را در مناطق خارج نزدیک خود رد کرده است. روسیه حضور یک بلوک قدرتمند نظامی در مرزهایش را یک خطر مستقیم برای امنیت ملی خود می‌داند. این کشور گسترش ناتو به

شرق را باعث تقویت نفوذ غرب در نواحی مجاور روسیه و افزایش گرایش به سمت جامعه اروپایی و غربی در این نواحی می‌داند (شیرازی، کریمی، ۱۳۸۸، ۴۸).

مهم‌ترین دلایل مخالفت روسیه با گسترش ناتو:

- ۱- کاهش نفوذ ژئوپلیتیک روسیه در مناطق نزدیک خود
- ۲- کاهش امنیت روسیه به دلیل قرار گرفتن در مجاورت یک پیمان نظامی
- ۳- گسترش نفوذ آمریکا در مناطق سنتی - امنیتی روسیه
- ۴- افزایش جریان‌ات و آگرایانه در این کشور
- ۵- نادیده گرفتن و حذف روسیه از ترتیبات امنیتی منطقه

بر این اساس سیاستهای امنیت ملی روسیه به‌ویژه در برابر گسترش ناتو به شرق، در راستای تأمین امنیت ملی و بقای کشور است. روسیه هرچند روابط با غرب را ادامه داده و حتی بیشتر کرده است. اما در برابر گسترش ناتو از کاربرد ابزارهای نظامی برای پاسداری از امنیت خود غفلت نخواهد کرد. شرایط اروپای شرقی و قفقاز روسیه را وادار می‌کند که به پشتوانه قدرت هسته‌ای و نظامی خود از غرب امتیاز بگیرد (ایمانی، ۱۳۸۹، ۱۲۸).

فشار نظام بین‌المللی، روسیه را وادار می‌کند، امنیت خود را که به خطر افتاده است، به هر شیوه تأمین کند و در این راستا دست به اقداماتی زده است یا خواهد زد. کنت والتز در این زمینه معتقد است گسترش ناتو زیانهای بزرگی برای غرب دارد، زیرا هم امنیت روسیه را به خطر می‌اندازد و مناطق پیرامونی‌اش را از آن می‌گیرد و هم تهدیدی برای چین شمرده می‌شود، زیرا دیگر این روسیه است که به حاشیه امنیتی چین در برابر غرب تبدیل می‌شود. بدین سان روسیه و چین نگرانی‌های زیادی از گسترش ناتو به شرق دارند و از دیدگاه نو و واقعگرایی، این دو کشور در برابر غرب همدست خواهند شد (ایمانی، ۱۳۸۹، ۱۲۸).

۱- گسترش ناتو به فراسوی مرزهای روسیه، خط قرمز کرملین

دلیل دیگر والتز برای مخالفت با گسترش ناتو به سوی شرق این است که این پدیده بر روند خلع سلاح و کنترل جنگ‌افزارها اثر می‌گذارد، زیرا جنگ سرد تازه‌ای میان غرب و روسیه راه می‌افتد که برای امنیت اروپا خطری سنگین خواهد بود. در مورد سیاست امنیتی روسیه

در برابر گسترش ناتو به سوی شرق می‌توان گفت که بر پایه رویکرد نو واقع‌گرایی، روسیه در برابر غرب کوتاه نخواهد آمد و هرچند به‌ظاهر چراغ سبزی به گسترش نشان داده است، اما چنانکه می‌دانیم همه کشورها در روابط خارجی خود هم سیاست آشکار و اعلام‌شده دارند و سیاست نهانی و پنهان (ایمانی ۱۳۸۹، ۱۲۹).

به‌گونه آشکار روسیه در برابر گسترش ناتو واکنشی تند از خود نشان نداده، بلکه واکنشهایی در چارچوب دیپلماتیک داشته و در کنار آن برای بهسازی رابطه با غرب کوشیده است. روسیه به خاطر نیازهای بنیادی که در حوزه صنعت و تکنولوژی به غرب دارد، از گسستن پیوندهای خود با آمریکا و اروپا پرهیز می‌کند، اما چنانچه امنیت وجودی روسیه به خطر بیافتد، مسائلی چون تکنولوژی و مبادلات علمی و فنی روسیه با غرب در سایه آن قرار خواهد گرفت (ایمانی ۱۳۸۹، ۱۲۹).

از دیدگاه نو واقع‌گرایی می‌توان گفت که همکاریهای فنی و علیم، بازرگانی و تکنولوژیک روسیه با غرب، تنها برای برآوردن نیاز داخلی روسیه است و اگر امنیت ملی روسیه به خطر افتد، بی‌گمان کرملین امنیت ملی را برتر از منافع ملی خواهد شمرد و بقا و یکپارچگی سرزمینی روسیه، اهمیتی بسیار بیش از نیازهای اقتصادی خواهد یافت (ایمانی ۱۳۸۹، ۱۲۹).

روسیه با گسترش ناتو به شرق مخالف است. از دیدگاه کرملین، ناتو نمی‌تواند به مرزهای روسیه نزدیک شود، زیرا در سفر جیمز بیکر، وزیر خارجه وقت آمریکا به مسکو، وی بعد از توسعه مرزهای ناتو در پی اتحاد دو آلمان، قول داده بود که ناتو حتی یک اینچ هم به شرق اروپا توسعه نیابد، بنابراین گورباچف با عضویت کل آلمان در ناتو موافقت کرد، اما از ناتو خواست که این موضوع شامل حال بقیه کشورهای عضو پیمان ورشو، که در آن زمان همچنان وجود داشت نشود. (klussmann and others, 2011)

در ذیل به بررسی راهبردهای دفاعی - امنیتی روسیه در تقابل با گسترش ناتو پرداخته می‌شود:

۲ دکترین‌های دفاعی - نظامی ملی روسیه

به اعتقاد نگارندگان یکی از اقداماتی که از زمان روی کار آمدن پوتین در سال ۲۰۰۰، به‌منظور مقابله با گسترش ناتو به شرق، در دستور کار کرملین قرار گرفت، تدوین دکترین‌های کلان دفاعی -

نظامی روسیه بود که این دکترین‌ها در مقاطع زمانی خاص، بنا به شرایط و مقتضیات بین‌المللی بازنگری شده و به‌روز می‌گردند.

۳- سند تدبیر امنیت ملی

در سند تدبیر امنیت ملی که در ۱۴ ژانویه ۲۰۰۰ تصویب شده است، ضمن نفی جهان تک‌قطبی و تلاش بسیاری از کشورها برای تضعیف جایگاه روسیه، بر بقای روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ، تأکید شده است. در سند تدبیر، سیاست خارجی، دفاع از حقوق شهروندان روسیه و روس‌تبارها در سایر کشورها، تقویت سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی روسیه در خارج از کشور، مخالفت با سیستم دفاع موشکی آمریکا، فعال شدن نقش روسیه در معادلات جهانی، تقویت مناسبات با متحدان سابق شوروی، مخالفت با نظام تک‌قطبی در لیست مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی قرار گرفته‌اند (کرمی ۱۳۸۳، ۱۳۱).

همچنین در دکترین نظامی روسیه، مجموعه‌ای از تهدیدات مطرح‌شده که نسبت به سند دکترین نظامی سال ۱۹۹۳ کاملاً جدید هستند. مهم‌ترین این تهدیدات گسترش اتحادیه‌های نظامی به‌ضرر امنیت روسیه و متحدان آن (که آشکارا به مسئله گسترش ناتو اشاره داشت)، تمرکز فزاینده نیروهای نظامی خارجی در نزدیکی مرزهای روسیه و متحدان آن، مداخله خارجی، نادیده گرفتن نقش روسیه در مسائل بین‌المللی، تضعیف موقعیت سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری اروپا، حمایت خارجی از گروه‌های قومی و مذهبی و تروریسم هستند. در این سند تأکید شده است که «روسیه برای تضمین امنیت ملی، طبق اصول زیر از نیروهای نظامی استفاده خواهد کرد. در صورتی که ابزارهای دیگر ناکارآمد باشند، یا به‌نظر برسد که کارایی لازم را ندارند، روسیه از همه نیروها و تجهیزات اعم از هسته‌ای و غیرآن استفاده خواهد کرد». در دکترین نظامی شوروی سابق تأکید شده بود که شوروی نخستین کشوری نخواهد بود که از سلاح هسته‌ای استفاده خواهد کرد. در دکترین نظامی ۱۹۹۳، صرفاً در صورت حمله به تأسیسات هسته‌ای و موشکی، روسیه حق استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را برای خود محفوظ می‌داشت. این تحول جدید به‌معنای «کاهش آستانه تحمل برای به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای» نزد مقامات روسی، در ابتدای قرن جدید تلقی می‌شد (کرمی ۱۳۸۳، ۱۳۱).

۴- دکترین امنیت ملی ۲۰۰۸

روسیه در سالهای اخیر همانند بسیاری از کشورها سند دکترین امنیت ملی منتشر کرده است. مدودف در نخستین سند دکترین امنیت ملی که در دوره ریاست جمهوری وی نوشته شد، به اصول سیاست خارجی و سیاست دفاعی کشورش اشاره کرده است. در این سند، گرایش‌های اوراسیایی مدودف به روشنی پیداست. مقابله با ساختار تک قطبی نظام بین‌المللی، حق روسیه در حفاظت از جان اتباع خود در جهان و وجود منافع حیاتی روسیه در برخی از نواحی خارجی (خارج نزدیک) از جمله مواردی است که در سند دکترین سیاست خارجی درج شده است. در سند دکترین سیاست دفاعی نیز به ضرورت بازسازی سازمانی و توانمندی دفاعی، بهبود سطح آموزش، آمادگی ارتش در مقابله با حوادث غیرمنتظره و جز آنها اشاره شده است. برخی معتقدند که منظور وی از حوادث غیرمنتظره، رویدادهایی نظیر بحران گرجستان است، همچنین در این سند، به تقویت وضعیت بازدارندگی هسته‌ای تا سال ۲۰۲۰ و تقویت سخت افزاری و نرم افزاری نیروی نظامی روسیه تأکید شده است. در دکترین سیاست خارجی روسیه که در ژوئیه ۲۰۰۸ منتشر شد، نگاه به ناتو اینگونه تبیین شده است:

«روسیه نسبت به توسعه ناتو به خصوص نسبت به طرح پذیرفتن اوکراین و گرجستان به عضویت ناتو و نیز نزدیک کردن زیر ساخت‌های نظامی ناتو به مرزهای روسیه که موجب نقض اصل امنیت برابر میشود و منجر به پیدایش خطوط تقسیم کننده جدید در اروپا می‌گردد و با هدف بالا بردن بازدهی کار مشترک در مورد جست و جوی پاسخ به چالش‌های واقعی دوران معاصر سازگار نیست، نظر منفی دارد.» (barber and others, 2008)

۵- دکترین نظامی ۲۰۱۰ روسیه

رهنامه نظامی جدید روسیه در صورت‌بندی خطرهای نظامی فرا روی این کشور، موضوع توسعه کارکردی و ژئوپلیتیک اتحادیه ناتو را به‌عنوان اولین خطر بیان کرده است. روسیه مخالف اعطای مسئولیت‌های بین‌المللی و جهانی به ناتو است، چراکه معتقد به مشارکت جمعی دولتها در فرایند حل و فصل مشکلات و معضلاتی است که سرشتی جهانی دارند. از نظر روس‌ها ناتو نماینده منافع و علائق بخشی از دولتهای غربی، و فاقد صلاحیت لازم

برای پیگیری اموری است که جنبه فراگیر داشته و به سرنوشت تمام دولتها مربوط می‌شود (امیری، ۱۳۸۹، ۸۲).

تصویر تهدیدآمیز روسیه از اتحادیه ناتو، ناشی از برآورد آن از قابلیت‌های این اتحادیه و از اقدام‌های پیشین آن است. منتقدان غربی روسیه البته این تصور را میراث دوران جنگ سرد می‌دانند. مارسل دی‌هاس محقق ارشد در مؤسسه هلندی روابط بین‌الملل کالینگندیل معتقد است که دکترین دفاعی نظامی جدید روسیه با نام بردن از اتحادیه ناتو به‌عنوان اصلی‌ترین خطر فراروی این کشور، در عمل به ارزش‌های دوران جنگ سرد بازگشته است (امیری، ۱۳۸۹، ۸۲).

از سوی دیگر دکترین نظامی ۲۰۱۰ روسیه، دارای چهار رکن اساسی است. رکن اول، مشخص کردن منبع خطر و تهدید برای روسیه است. در این دکترین «پیمان ناتو» به‌عنوان خطر و تهدید اصلی تعیین شده است. پیمان ناتو به‌عنوان بازوی استعماری غرب به رهبری آمریکا، به فضای پیرامونی روسیه دست اندازی می‌کند و تأثیراتش را در داخل روسیه هم بر جا می‌گذارد. به این دلیل روسیه به شکلی صریح و واضح ناتو را منبع خطر برای منافع خود و همپیمانانش می‌داند. رکن دوم دکترین روسیه مسئله استفاده از سلاح هسته‌ای است. به نظر می‌رسد که روسیه در این زمینه (لزوم استفاده از سلاح هسته‌ای)، شجاعت لازم را در تصمیم‌گیری برای یک اقدام پیش‌دستانه بروز داده است (ارشادی، ۱۳۸۸، ۲).

رکن سوم مورد توجه در دکترین نظامی جدید، موضوع ساخت سلاح بر اساس استانداردهای لازم است. این امر به روسیه امکان می‌دهد که دو امر اساسی را محقق کند. اول مسائل اقتصادی داخلی و سرمایه‌گذاری‌های جدید را تضمین کند و دوم ورود در یک رقابت تسلیحاتی جهانی را زمینه‌سازی و بازار جهان را برای سلاح‌های روسی آماده کند. این موضوع به روسیه امکان می‌دهد که روابط نظامی وسیعی را با خارج داشته باشد. رکن چهارم آمادگی روسیه برای ایفای نقش داوری در منازعات بین‌المللی است، امری که به طرف‌های درگیر منازعات این امکان را می‌دهد که شکار آمریکا نشوند (ارشادی، ۱۳۸۸، ۲).

۶- دکترین نظامی ۲۰۱۴ روسیه

روسیه در دکترین ۲۰۱۴ نظامی خود سازمان ناتو و آمریکا را به عنوان عمده‌ترین تهدید علیه امنیت ملی خود تلقی می‌کند. روسیه در این سند نگران گسترش و اصرار غرب در محدودسازی نقش روسیه است و بصورت شفاف در دکترین خود از چند خطر یاد می‌کند که یکی از آن‌ها سامانه موشک‌های استراتژیک ضد بالستیک است و اعتقاد دارد که استقرار این سامانه تعادل اتمی جهان را بر هم می‌زند. همچنین در این سند استفاده از سلاح اتمی برای دفاع را "حق" روسیه قلمداد کرده و به موضوع استقرار سلاح در فضا که یادآور حساسیت روس‌ها در نقد جنگ ستارگان است و همچنین فعالیت برخی شرکت‌های خارجی را تهدید نامیده است و برطبق اعلام رسانه‌ها بندهای جدیدی در زمینه تامین منافع روسیه در قطب شمال، روابط متحده با دو جمهوری آبخازیا و اوستیای جنوبی به آن اضافه شده است. روسیه در طی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ عملاً در حال استحکام حاشیه نزدیک خود و بازخیزی در معادلات دریای سیاه و دریای مدیترانه است و توجه و دقت مستمری را به معادلات خاورمیانه از خود نشان می‌دهد. به خوبی اطلاع دارید که بعد از تحولات داخلی اوکراین در طی این مدت روسیه عملاً با تصاحب نرم و نیمه سخت عملاً با الحاق کریمه افزایش سرزمین داشت. گشت‌ها و پروازهای استراتژیک خود را افزایش داد و در طی این مدت به شدت به سمت نوسازی سلاح‌های نظامی خود پرداخته و سرعت جدیدی به پژوهش‌ها و تحقیقات نظامی خود داده است. روسیه ریسک پذیرش تهدید اقتصادی غرب را علیه خود تاکنون پذیرفته است و به نظر می‌رسد یورواسیا گرایان روسی نقش اساسی در تهیه سند دکترین نظامی ۲۰۱۴ روسیه داشته‌اند.

(پایگاه اینترنتی دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴/۰۸/۱۱، www.DiplomacyIrani.ir)

روسیه در دکترین جدید گفته است که مسکو می‌تواند از «تسلیمات دقیق» به عنوان بخشی از تدابیر بازدارنده استراتژیک استفاده کند. البته در این دکترین اشاره‌ای نشده است که روسیه چه زمان و چگونه به استفاده از چنین سلاح‌هایی متوسل می‌شود. نمونه‌های تسلیمات متعارف دقیق، موشک‌های زمین به زمین، موشک‌های کروز زیردریایی‌ها، بمب‌های رهگیر و حملات توپخانه‌ای است

(پایگاه اینترنتی میلیتاری، ۱۳۹۴/۰۸/۱۱، www.Military.ir) .

۷- سند امنیت ملی ۲۰۲۰ روسیه، تلاش کرملین برای آینده‌نگری از تهدیدات آتیه:

راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ روسیه، یک سند رسمی منتشر شده از سوی دولت روسیه شامل ابعاد مختلف رویکردها و ذهنیت‌های این کشور به قبال مسائل نظامی و امور مربوط به جنگ می‌باشد. اصلی‌ترین ابعاد این مسئله را می‌توان در قبال یک جانبه‌گرایی زورگویانه آمریکا در روابط بین‌الملل گسترش ناتو به شرق، سیستم سراسری دفاع موشکی آمریکا در اروپا عنوان نمود. شایان توجه است که بخش اعظمی از بدبینی روسیه به توزیع قدرت ناشی از نظام بین‌المللی کنونی به واسطه یک جانبه‌گرایی آمریکا بوده و مسکو از این رویه بسیار ناخشنود می‌باشد. تقابل رقابت فدراسیون روسیه با آمریکا به ویژه در مناطقی مثل قفقاز جنوبی سبب شده است تا راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ نیز رویکرد تقابلی با الگوی نظام بین‌المللی آمریکایی داشته باشد. از این جهت آمریکا به افزایش نفوذ خود در قفقاز می‌پردازد و از موج گسترش ناتو به شرق و بستن پیمان‌های همکاری برای صلح در چارچوب آن پیمان حمایت می‌کند (زهرانی، فرجی، ۱۳۹۳، ۷۷-۷۶).

از این ره گذر می‌توان به جهت‌گیری این کشور در قبال ناتو اشاره کرد. در واقع روسیه گسترش ناتو را تهدید علیه امنیت ملی خود دانسته و آن را در راستای کاهش اقتدار این کشور در سطح بین‌المللی از بین بردن مناطق حائل و بی‌توجهی به این کشور بزرگ می‌داند. در این راستا، در بند هفدهم راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ تصریح شده است که برنامه‌های ناتو در انتقال زیرساخت‌های نظامی این پیمان به سوی مرزهای فدراسیون روسیه و تلاش برای تسری بخشیدن سراسری به ناتو در منطقه امری خلاف موازین حقوق بین‌الملل بوده و مسکو آن را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند. به هر حال فدراسیون روسیه توسعه و گسترش حضور ناتو را در چارچوب علایق نظامی‌گری و جنگ برخاسته از توزیع قدرت در الگوی نظام بین‌المللی کنونی آمریکایی دانسته و تلاش داشته است تا در جهت‌گیری‌های خود در راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰ آن را لحاظ نماید (زهرانی، فرجی، ۱۳۹۳، ۷۷-۷۸).

ج- رقابت نظامی تسلیحاتی روسیه با ناتو

با اوج‌گیری مخالفت‌ها با گسترش ناتو در روسیه، مطبوعات و رسانه‌های گروهی آن کشور احتمال گرایش مسکو به رویکرد نظامی و ایجاد فضای ناامن در غرب را در صورت

نادیده گرفتن منافع امنیتی روسیه مطرح کردند. حتی وزیر دفاع روسیه اعلام کرد که روسیه ممکن است موشک‌های اتمی خود را بار دیگر در باختر روسیه متمرکز کند و کشورهای اروپای شرقی را که به عضویت ناتو درمی‌آیند نشانه گیرد. او به ملت‌های اروپای شرقی هشدار داد که در صورت استقرار تجهیزات ناتو در خاک کشورشان، موشک‌های هسته‌ای روسیه آنها را هدف خواهد گرفت (ایمانی، ۱۳۸۹، ۱۳۱).

در تابستان سال ۲۰۰۸ میلادی، تحرکات نظامی روسیه بر ضد گرجستان و پرواز هواپیماهای نظامی روسیه بر فراز اروپا نشان از جدی بودن واکنش نظامی روسیه در برابر ناتو بود. روسیه امروز همچنان خود را مانند اتحاد جماهیر شوروی، کشوری نیرومند می‌داند و می‌کوشد در برابر گسترش ناتو کوتاه نیاید و همچنان اروپای شرقی را زیر نفوذ خود نگه دارد (ایمانی، ۱۳۸۹، ۱۳۱).

از دیگر راهکارهای پیش روی روس‌ها برای رویارویی با طرح گسترش ناتو، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تهدید کشورهای بالتیک و دیگر کشورهای اروپای خاوری که با پیوستن به ناتو، امنیت روسیه را به خطر می‌اندازند.

۲- پررنگ شدن اندیشه لوکاشنکورئیس جمهوری بلاروس درباره دست زدن به اقدامات نظامی. او به روس‌ها پیشنهاد کرده بود دو کشور واحدهای نیرومند نظامی در مرز بلاروس و اعضای تازه ناتو مستقر سازند.

۳- دگرگون کردن سیاست روسیه که هم‌اکنون پذیرای نقش اقتصادی غرب در حوزه CIS است.

در تابستان ۲۰۰۸، تحرکات نظامی روسیه بر ضد گرجستان و پرواز هواپیماهای نظامی روسیه بر فراز اروپا نشان از جدی بودن واکنش نظامی روسیه در برابر ناتو بود. روسیه امروز همچنان خود را مانند اتحاد جماهیر شوروی، کشوری نیرومند می‌داند و می‌کوشد در برابر گسترش ناتو کوتاه نیاید و همچنان اروپای شرقی را زیر نفوذ خود نگه دارد (ایمانی، ۱۳۸۹، ۱۳۱).

۱- اقدامات عملی روسیه در فاز رقابت نظامی امنیتی با روسیه

در تابستان ۲۰۰۸، تحرکات نظامی روسیه بر ضد گرجستان و استفاده از هواپیماهای

نظامی روسیه بر فراز اروپا نشان از جدی بودن واکنش نظامی روسیه در برابر ناتو بود. روسیه امروز همچنان خود را مانند اتحاد جماهیر شوروی، کشوری نیرومند می‌داند و می‌کوشد در برابر گسترش ناتو کوتاه نیاید و همچنان اروپای شرقی را زیر نفوذ خود نگه دارد. در همین حال وزیر دفاع وقت روسیه در توجیه ایده اتحاد نظامی گفت که چنین اتحادی نه تنها از درگیری میان کشورهای CIS جلوگیری می‌کند، بلکه امکان رویارویی با خطرهای خارجی را به آنها خواهد داد. او از کوشش آمریکا برای به دست آوردن رهبری جهان از راه ناتو و گسترش دادن آن به شرق، آن را مایه تنش‌های تازه و خطری که دارای جنبه‌های بی‌از تهدید نظامی است دانست و تاکید کرد که در ۱۹۹۷ مولفه‌هایی وجود خواهد داشت که تشکیل نیروی نظامی یک پارچه‌ای را امکان‌پذیر خواهد کرد.

روس‌ها می‌خواستند چنانچه ناگزیر از واکنش عملی به طرح گسترش ناتو شوند، هسته پیمان جمعی به نام پیمان تاشکند را تبدیل به اتحادی نظامی کنند، اما در این زمینه با مشکلاتی رو به رو بودند. برجسته‌ترین مشکل روس‌ها در تشکیل اتحاد نظامی در حوزه CIS این بود دیگر کشورهای CIS خود را از رهگذر گسترش ناتو دستخوش خطر نمی‌بینند و حتی برخی از آنها از پیوستن به ناتو سود می‌بردند (ایمانی، ۱۳۸۹، ۱۳۰).

هرچند توان نظامی اتحادیه CIS را نمی‌توان با تواناییهای ناتو سنجید، ولی به هر رو گسترش ناتو به پا گرفتن دوباره میلیتاریسم در روسیه می‌انجامد و روسیه به احتمال زیاد سربازانی به مرزهای غربی خود در بلاروس و کالیننگراد می‌فرستاد و پیمان کاهش جنگ افزارهای متعارف در اروپا را نیز نادیده می‌گرفت و بدین سان، مرزهای شرقی ناتو شاهد خطوط تقسیم اروپا می‌شد. همچنین روسیه در واکنش به گسترش ناتو، از تصویب و اجرای پیمان آمریکا و روسیه متعهد می‌شدند، موشک‌ها با هدف کیری مستقل چندمنظوره (MIRV) و موشک‌های بین قاره‌ای (ICBM) را نابود سازند و شمار کلاهک‌های استراتژیک هسته‌ای را به سطح ۳۰۰۰ عدد کاهش دهند. فرجه زمانی برای به انجام رساندن این تعهدات تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۰ و حداکثر تا یکم ژانویه ۲۰۰۳ بود. رییس کمیته دفاعی دوما روسیه تصویب استارت-۲ و اجرای آن را در حالی که غرب همچنان برای گسترش ناتو پافشاری می‌کرد، مایه افزایش آسیب‌پذیری روسیه می‌دانست (ایمانی، ۱۳۸۹، ۱۳۰).

از سوی دیگر در سال ۲۰۰۳، مسکو موفق به حضور یک پایگاه نظامی در قرقیزستان شد.

جریان اجلاس سازمان همکاری شانگهای در هفدهم ژوئن ۲۰۰۴، یک موافقتنامه اتحاد استراتژیک میان ازبکستان و روسیه به امضا رسید. این موافقتنامه یک سیستم امنیت منطقه‌ای، مبتنی بر همکاری میان وزارتخانه‌های دفاع، امور خارجه کشور و شورای امنیت دو کشور را پیش‌بینی می‌کند. روسیه همچنین از طریق موافقتنامه چهارم ژوئن در مورد اجاره زمین که بنا به گزارش‌ها دسترسی نامحدود و بدون اجاره به یک پایگاه نظامی در خارج از پایتخت تاجیکستان را به این کشور می‌دهد، روابط خود را با این جمهوری تقویت کرده است. ضمن آنکه موافقتنامه‌ای هم در مورد اجاره به ارتش روسیه برای ادامه بهره برداری از مناطق تحت آزمایش تاجیکستان وجود دارد. مقامات روسیه از طریق ترتیب این قراردادها تلاش می‌کنند تا ضمن تداوم وابستگی جمهوری‌های منطقه به کشورشان (به ویژه در ابعاد امنیتی) مانع از تقویت حضور ناتو در معادلات امنیتی آسیای مرکزی و قفقاز شوند (امیری ۱۳۸۳، ۴۵-۴۴). بنابراین باید اذعان داشت که به منظور اثبات تئوری رقابت تسلیحاتی نظامی روسیه با ناتو، جهت مقابله با گسترش ناتو به شرق، می‌توان به موارد مطروحه فوق استناد نمود.

د- تبیین مفهوم کارکردی پیمان شانگهای در مقابله با گسترش ناتو به شرق

یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی روسیه در منطقه آسیای مرکزی به منظور مقابله با گسترش ناتو به شرق، استفاده از ترتیبات امنیت منطقه‌ای نظیر سازمان شانگهای می‌باشد. در این قسمت تلاش می‌شود به مهم‌ترین اقدامات و تلاش‌های روسیه در این زمینه اشاره شود.

با وجود اختلاف‌های موجود در درون ناتو میان آمریکا و شرکای اروپایی‌اش، هنوز هم این سازمان برای آمریکا یک بازوی نظامی و شریک مطمئن محسوب می‌شود. زمینه حضور ناتو در آسیای مرکزی با زمینه سازی‌های آمریکا در دهه پایانی قرن بیستم فراهم شد، از سوی دیگر با وجود آنکه مسئولان شانگهای اعلام کرده‌اند که ابتکار آنها برای تشکیل این سازمان در مقابل ناتو و آمریکا نیست، همچنان واشنگتن با حساسیت، تحرکات این سازمان را مد نظر دارد (عابدی، ۱۳۸۹، ۲۴).

در چارچوب ترتیبات امنیت منطقه‌ای نظیر سازمان شانگهای و حرکت روسیه به سمت

تقویت همکاری استراتژیک با دو قطب اقتصادی و نظامی همکاری استراتژیک با دو قطب اقتصادی و نظامی جهان یعنی چین و هند، حاکی از تقویت سیاست نگاه به شرق این کشور در تعاملات بین‌المللی است. همکاری گسترده روسیه با چین در سازمان همکاری شانگهای و پذیرش ایران و هند به عضویت ناظر و در پی آن درخواست سران کشورهای عضو این سازمان از امریکا برای خروج از منطقه، آغاز یک تلاش منطقه‌ای جهت حفظ منطقه اوراسیا به عنوان عرصه مشترک نفوذ روسیه، هند و ایران به عنوان قدرت‌های برتر این منطقه است (یزدانی، تویسرکانی، ۱۳۸۶، ۴۵).

اوج استراتژی سیاست خارجی روسیه رویای تحقق ابرقدرتی و مقابله با آمریکا است و در این راه، این کشور در پی متحدان جدیدی در دنیاست که از جمله آنها می‌توان به چین، هند و ایران اشاره نمود. تا حدی که تشکیل سازمان همکاری شانگهای که به گفته پوتین عنصری با اهمیت برای ثبات در حوزه اوراسیا است و افزایش علاقه سایر کشورها و تشکل‌های چند جانبه به عملکردهای جاری و گردهمایی‌های آن، امری اتفاقی نیست (یزدانی، تویسرکانی، ۱۳۸۶، ۴۵).

در مورد پتانسیل سازمان شانگهای، استفان بلانک استاد دانشگاه جنگ آمریکا، معتقد است که فواید سازمان همکاری شانگهای برای روسیه و چین فراتر از مانورهای نظامی است. وی بیان می‌کند که مسکو و پکن به وضوح این سازمان را از زمان آغاز به کار خود به عنوان مجمعی برای وحدت دولت‌های آسیای مرکزی در سازمان امنیت منطقه‌ای ضد آمریکایی پیش بینی کرده‌اند. نویسندگان و متفکران این مکتب فکری بر این باورند که روسیه و چین با تشکیل کنفرانس‌های چند جانبه، از آن به عنوان یک مکانیسم برای اعمال فشار بر کشورهای کوچک‌تر و ضد موقعیت و منافع آمریکایی استفاده می‌کنند (امینی، موسوی، ۱۳۹۲، ۱۲۳).

جولیا نانی، مشاور PFC تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید روسیه و چین می‌توانند صف بندی نظامی اوراسیا را از طریق حمایت از سازمان همکاری شانگهای به عنوان وزنه تعادل در برابر ناتو توسعه دهند. آسیای مرکزی، منطقه‌ای بسیار پراهمیت برای آمریکا می‌باشد و به سرعت بر اهمیت این منطقه افزوده می‌شود، به عنوان مثال معاون وزیر امور خارجه

آمریکا، ریچارد آرمیتاژ در سال ۲۰۰۴ گفت: ثبات در آسیای مرکزی برای منافع ملی آمریکا بسیار پر اهمیت و حیاتی است (امینی، موسوی، ۱۳۹۲، ۱۲۳).

۱- پیمان شانگهای، سازمانی فعال در برابر آمریکا و ناتو:

یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های سازمان همکاری شانگهای به ویژه از منظر روسیه، قرار گرفتن در یک الگوی امنیت منطقه‌ای است که منحصرآ کشورهای آسیای مرکزی، چین و روسیه را دربرمی گیرد و خارج از کنترل و دخالت ایالات متحده آمریکا می‌باشد. روسیه توانسته است از طریق این سازمان و همچنین از طریق ارتقای روابط دوجانبه با اعضای سازمان، گسترش نفوذ آمریکا را در منطقه آسیای مرکزی محدود کند، به گونه‌ای که آمریکا برای استفاده از امکانات کشورهای منطقه ابتدا باید با روسیه به تفاهم برسد. به عبارت دیگر روسیه درصدد است تا آمریکا را مجبور کند تا برای اقدامات خود در مناطق سستی نفوذ روسیه ابتدا با این کشور وارد تعامل شود. در همین حال روسیه توانست در سال ۲۰۰۵ اعضای سازمان همکاری شانگهای را به تصویب موافقت نامه‌ای ترغیب کند که در آن از آمریکا خواسته می‌شد تا برای تعطیلی پایگاه‌ها و خروج نیروهای خود از کشورهای آسیای مرکزی جدول زمانی تعیین کند (شیرازی، کریمی، ۱۳۸۸، ۴۴).

از این رهگذر درخواست سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۵ برای خروج نظامی آمریکا از پایگاه هوایی خان‌آباد در ازبکستان، موجب شد که آمریکا به فعالیت سازمان شانگهای حساسیت بیشتری نشان دهد. به همین دلیل این سؤال مطرح شد که سازمان همکاری شانگهای چه تهدید علیه ایالات متحده و اهداف و منافع آن داشته باشد؟ وقتی در سال‌های بعد یعنی ۲۰۰۶ در شانگهای و ۲۰۰۷ در بیشکک، در نشست سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، دیگر درخواست خروج نظامیان آمریکایی از پایگاه‌های آسیای مرکزی مطرح نشد، نگرانی واشنگتن تا اندازه‌ای تعدیل شد، تا اینکه رزمایش نظامی مشترک کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای تحت عنوان «مأموریت صلح ۲۰۰۷» در چین برگزار شد و بار دیگر این شائبه را که شانگهای به جبهه‌ای در مقابل ناتو تبدیل شده است را نمود (عابدی، ۱۳۸۹، ۲۴).

دلیل این نگرانی عبارت بود از حضور ۶۵۰۰ نظامی و ۸۰ فروند جنگنده در این رزمایش، که حاکی از جدیت کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در دفاع از منافع خویش بود، به ویژه آنکه این رزمایش‌ها در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ با تدارکات و ترتیبات بیشتر ادامه یافت. به نظر می‌رسد در اجلاس سران شانگهای در سال ۲۰۰۹ در یکاترینبورگ، روسیه تلاش داشت ساز و کار امنیت منطقه‌ای را تقویت نماید. محورهای همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم و تجزیه طلبی، افراط‌گرایی، جنایت‌های سازمان یافته و حفظ امنیت و ثبات منطقه‌ای اعلام شد. در واقع اولین استنباط از این تلاش‌ها این است که شانگهای در صدد است تا ابتکار امنیتی منطقه را به ناتو واگذار نکند (عابدی، ۱۳۸۹، ۲۵).

از سوی دیگر روسیه کار ویژه توازن قدرت را در سازمان همکاری شانگهای در رقابت با آمریکا، ناتو و سازمان امنیت و همکاری در اروپا دنبال می‌کند. تشکیل شورای مشارکت یورو - آتلانتیک از سال ۱۹۹۰ و سازمان امنیت و همکاری اروپا از سال ۱۹۹۲ و به دنبال آن طراحی و اجرای طرح مشارکت برای صلح ناتو، از جمله برنامه‌ها و ابزارهای غرب در تعامل با کشورهای قفقاز و نیز کشورهای جامعه مستقل مشترک‌المنافع به شمار می‌رود و بر این اساس است که مسکو در صدد است از طریق مکانیسم سازمان همکاری شانگهای، این روند رو به گسترش را مهار و کنترل نماید (هادیان ۱۳۹۰، ۱۸۸).

از سوی دیگر روسیه گسترش ناتو به شرق را یک تهدید امنیتی در برابر خود قلمداد می‌نماید. گسترش شتابان و بی‌وقفه مرزهای ناتو به سوی شرق و منطقه قفقاز، طراحی و اجرای طرح‌های متعدد از سوی این سازمان با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از جمله طرح مشارکت برای صلح و اجای مانورهای نظامی مشترک، حمله نظامی آمریکا به افغانستان و حضور نیروهای ائتلاف و ناتو در این کشور، طرح احداث سپر دفاع موشکی در شرق اروپا و حمایت جهان غرب از جریان‌ات ضد روسی در مناطق پیرامونی روسیه به ویژه در جریان وقوع انقلاب‌های رنگی در اکراین، گرجستان و قرقیزستان و در نهایت رویارویی نظامی روسیه با گرجستان بر سر مناطق جدایی طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی در اوت ۲۰۰۸ از جمله مهمترین تمهیدات دفاعی - امنیتی روسیه از سوی غرب طی دو دهه اخیر به شمار می‌رود (واعظی ۱۳۸۹، ۱۸۸).

ت- مخالفت روسیه با پیوستن گرجستان به ناتو و بحران اوت ۲۰۰۸ میلادی

با وجودی که خطر درگیری نظامی بین روسیه و گرجستان در چند سال قبل از ریاست جمهوری مدودف شدت گرفته بود، در اوایل ماه اوت ۲۰۰۸ با هم برسر منطقه جدایی طلب اوستای جنوبی درگیر شدند. در حالی که در تابستان این سال یک سرسی درگیری‌ها بین گرجستان و این منطقه وجود داشته است، اما در ۷ اوت بحران با بمباران هوایی و زمینی اوستیای جنوبی توسط جنگنده‌ها و ارتش گرجستان آغاز شد. روسها با اعزام هزاران سرباز به اوستیای جنوبی و تعدادی به گرجستان به این اقدام گرجستان پاسخ دادند. از این رو با گذشت چند روز از درگیری میان روسیه و گرجستان، فرانسه به عنوان رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا برای متوقف کردن جنگ و حل و فصل آن رایزنی کرد و با ارائه طرحی شش ماده‌ای خواهان خاتمه درگیری‌ها شد که در نهایت با کمک سایر بازیگران بین‌المللی جنگ متوقف شد (امیر احمدیان و عسگری، ۱۳۸۸، ۲۹).

۱- علل وقوع بحران اوستیای جنوبی

اوستیای جنوبی در بیشتر کشورهای جهان به عنوان قسمتی از گرجستان شناخته می‌شود. اوستیای جنوبی ۷۰ هزار نفر جمعیت دارد که از این تعداد، حدود ۱۴ هزار نفر را اقلیت گرجی تبار تشکیل می‌دهند. در زمان اتحاد شوروی، اوستیای جنوبی، استانی خودمختار در ترکیب گرجستان بود. در سال ۱۹۹۱ هم‌زمان با استقلال گرجستان، ویادگاماساخورد اولین رئیس جمهور گرجستان، خودمختاری اوستیای جنوبی را کاهش داد (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۷، ۱۲۸).

مقامات اوستیا که با این تصمیم موافق نبودند، مقاومت نشان دادند و پس از مناقشه مسلحانه که تا سال ۱۹۹۲ ادامه داشت، گرجستان کنترل این منطقه را از دست داد. در سال ۱۹۹۲ مردم اوستیای جنوبی در همه پرسی شرکت کرده و به نفع استقلال این منطقه ردی دادند. در همان سال جمعاً حدود ۱۰۰ هزار نفر از مردم اوستیای جنوبی به دلیل ناآرامی‌های پراکنده کشته شدند، تا اینکه در ژوئن ۱۹۹۲ سران روسیه، گرجستان و اوستیای جنوبی برای امضای آتش‌بس و توافق ایجاد نیروهای حافظ صلح سه جانبه با یکدیگر دیدار کردند.

در سال ۱۹۹۴ براساس یک توافق آتش‌بس نه چندان مستحکم، نیروهای حافظ صلح روسیه در ابخازیا مستقر شده و نیروهای روسیه فرماندهی نیروهای حافظ صلح مشترک را در اوستیای جنوبی بر عهده گرفتند (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۷، ۱۲۸).

در سال ۲۰۰۶ همچنین مردم اوستیای جنوبی با شرکت در یک همه پرسی قاطعانه خواستار استقلال از تغلیس شدند. در ماه مارس ۲۰۰۸ اوستیای جنوبی به دنبال حمایت غرب از استقلال کوزوو، از جهان خواست تا استقلال این منطقه را از گرجستان به رسمیت بشناسد. در همین ماه گرجستان درخواست عضویت در ناتو را مطرح کرد و باعث شد پارلمان روسیه از دولت این کشور بخواهد استقلال اوستیای جنوبی و ابخازیا را به رسمیت بشناسد، دولت گرجستان متعاقب این تحولات در آوریل ۲۰۰۸ پیشنهاد توافق سهیم شدن در قدرت را مطرح کرد که با مخالفت اوستیای جنوبی و پافشاری این منطقه جدایی طلب بر استقلال کامل رو به رو شد (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۷، ۱۲۹).

۲- آغاز بحران ابخازیا، واکنش خشمگینانه روسیه:

تا این‌که پس از سال‌ها کشمکش میان دولت روسیه و گرجستان و ماه‌ها درگیری و ناآرامی در مناطق جدایی طلب اوستیای جنوبی و ابخازیا، جنگ در اوستیای جنوبی در اوت ۲۰۰۸ پس از روزها نبرد سنگین میان نیروهای گرجی و استقلال طلبان اوستیای جنوبی آغاز شد (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۷، ۱۲۹).

در ۷ اوت بحران با بمباران هوایی و زمینی اوستیای جنوبی توسط جنگنده‌های ارتش گرجستان آغاز شد. از سوی دیگر در تاریخ ۷ اوت نیروهای ارتش گرجستان در عملیات غافلگیرانه‌ای تسیخینوالی پایتخت اوستیای جنوبی را تحت تصرف نیروهای خود قرار داد. این موضوع به شدت واکنش روسیه را به دنبال داشت. چراکه عملاً تمامی ساکنان اوستیای جنوبی تابعیت روسی دارند. در واقع کشته شدن شماری از صلح‌بانان روسی توسط نظامیان گرجی، زمینه دخالت نظامی روسیه تحت عنوان لزوم حمایت از اتباع روسی این کشور را فراهم کرد (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۷، ۱۲۹).

روس‌ها با اعزام هزاران سرباز به اوستیای جنوبی و تعدادی به گرجستان به این اقدام

پاسخ دادند. این جنگ تأثیر آشکاری بر روابط غرب و روسیه گذاشت و غربی‌ها از این اقدام روسیه ناخرسند شدند. از این‌رو با گذشت چند روز از درگیری میان روسیه و گرجستان، فرانسه به عنوان رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا برای توقف جنگ و حل و فصل آن رایزنی کرد و با ارائه طرحی شش ماده‌ای خواهان خاتمه درگیری‌ها شد که در نهایت با کمک سایر بازیگران بین‌المللی جنگ متوقف شد.

نتیجه جنگ مورد بحث منجر به چالش در روابط روسیه و ناتو گردید، زیرا به محض اینکه ناتو اعلام کرد که جلسات آینده شورای ناتو - روسیه را تا زمانی که روسیه نیروهایش را از گرجستان خارج کند، به حالت تعلیق درمی‌آورد، روسیه تصمیم به تعلیق همکاری با ناتو تا زمان نامشخص گرفت. تصمیمات ناتو و روسیه در برخی همکاری‌ها مانند: همکاری در افغانستان، مبارزه با تروریسم و... که تا زمانی که تعلیق جلسات شورای ناتو - روسیه تداوم داشت، به حالت تعلیق درآمدند (slack2008).

اعضای جدیدتر ناتو تلاش می‌کردند که ناتو با استفاده از ماده ۵ به حمایت گرجستان برخیزد. گرجستان عضو ناتو نبود، بنابراین ناتو نمی‌توانست به ماده ۵ استناد کند. اما برخی از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی بر آن تأکید می‌کردند. پاسخ غرب نسبت به این منازعه پاسخی نرم نبود. در حقیقت زمانی کوتاه پس از درگیری، لهستان تصمیم گرفت بدون در نظر گرفتن اعتراضاتی که ممکن است به طرح آمریکا برای استقرار موشک‌های بالستیک رهگیر در خاک خود و توافقنامه سپر موشکی صورت گیرد، با این طرح موافقت نموده و آن را امضا نماید. این حرکت خشم روسیه را برانگیخت (slack2008).

۳- بحران اوت ۲۰۰۸ و تأثیر آن بر روابط روسیه و ناتو:

تنش میان روسیه و گرجستان همچنین باعث شد تا وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی راهی بروکسل شوند تا در جلسه‌ای اضطراری به درخواست واشنگتن، نحوه پاسخ این سازمان به تهاجم روسیه علیه گرجستان را بررسی کنند. ناتو هشدار داده بود تا هنگامی که نیروهای روسیه در خاک گرجستان هستند، داشتن روابط عادی با روسیه ممکن نیست (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۷، ۱۳۱).

یاب هوپ شفر دبیر کل وقت ناتو در این جلسه بیان داشته بود که پس از اقدامات نظامی روسیه علیه گرجستان، روابط این سازمان با روسیه دیگر مانند گذشته نخواهد بود. در مقابل روسیه هشدار پیمان ناتو به این کشور را با عصبانیت رد کرد. مسکو پیمان ناتو را متهم به حمایت از رژیم جنایتکار گرجستان در نسل‌کشی مردم اوستیای جنوبی نمود (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۷، ۱۳۲).

سرانجام بر اساس توافقنامه‌ای که به پیشنهاد نیکولا سارکوزی رئیس‌جمهور فرانسه تهیه شده بود، نیروهای روسی پذیرفتند که ضمن توقف کامل و همیشگی عملیات خود در خاک گرجستان، این کشور را ترک کنند. اما در عین حال وزیر خارجه روسیه تأکید کرد که آبخازیا و اوستیای جنوبی به هیچ وجه بار دیگر به گرجستان ملحق نخواهند شد. نهایتاً رئیس‌جمهور روسیه در ۲۶ آگوست ۲۰۰۸ به درخواست دو مجلس این کشور برای به رسمیت شناختن استقلال آبخازیا و اوستیای جنوبی، پاسخ مثبت داد. این اقدام با واکنش شدید سازمان ملل، کشورهای اروپایی، ناتو و آمریکا مواجه شد (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۷، ۱۳۲).

در دوره کوتاهی که همکاری‌های نظامی میان روسیه و ناتو به حالت تعلیق درآمده بود، این کشور با وجود تمام فشارهای بین‌المللی، نه تنها استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا را شناسایی کرد، بلکه دومای دولتی روسیه نیز معاهدات دوستی با این مناطق جدایی طلب را امضا کرد. روسیه هدف از این معاهدات را حمایت نظامی از این دو منطقه با توسعه و تقویت پایگاههای نظامی خود در آن سرزمین‌ها دانست. (hoque, 2008)

بحران گرجستان برای مدت کوتاهی روابط میان روسیه و ناتو را نیز تیره گردانید، به طوری که روسیه در میانه بحران با اقامه این استدلال که میان گرجی‌های مورد حمایت غرب و بومی اوستیای جنوبی مورد حمایت روسیه تعارض دیدگاه وجود دارد، همه همکاری‌های خود را با ناتو به حالت تعلیق درآورد و اعلام کرد: «ناتو باید تصمیم بگیرد که کدام موضوع مهم‌تر است: حمایت از گرجستان یا توسعه روابط با روسیه». (hoque, 2008)

بعد از منازعه روسیه و گرجستان، آمریکا و اروپا استقلال کوزوو را در فوریه همین سال به رسمیت شناختند که پیش از این و تا ماهها قبل از شروع جنگ گرجستان باعث تنش در

روابط ناتو و روسیه شده بود. شایان ذکر است که ماهها قبل از استقلال کوزوو، روسیه اثرات اعلامیه یکجانبه استقلال را برای امنیت بین‌الملل متذکر شده بود، تا آنجا که تهدید کرده بود اگر استقلال کوزوو به رسمیت شناخته شود از طریق به رسمیت شناختن مناطق جدایی طلب گرجستان تلافی می‌کند. با نگاهی به گذشته، روسیه پیش‌بینی کرده بود که استقلال کوزوو تبدیل به یک رویه برای سایر مناطق جدایی طلب نه تنها در اروپا، بلکه در داخل یا اطراف روسیه می‌شود. با این حال کوزوو برای روسیه یکی دیگر از نمونه‌های جاه‌طلبی‌های ناتو، برای گسترش سلطه غرب در منطقه و بی‌احترامی آشکار به قوانین بین‌المللی است (slack2008)

۴- بحران آبخازیا، برخورد روسیه با گرجستان با پیگیری سیاست دیپلماسی قایق‌های توپ دار

آشکار است که پاسخ روسیه به گرجستان بیش از عمل گرجستان و در واقع تنبیهی شدید بوده است. اما این عملیات نشان دهنده خشم فروخته روسیه طی سال‌ها رجزخوانی گرجستان علیه روسیه بوده است. گرجستان به عنوان همسایه جنوب غربی روسیه که مرزهای شمالی آن تمامی منطبق بر خط‌الرأس کوه‌های قفقاز و جمهوری‌های قفقاز شمالی در روسیه است، موجب افزایش تنش و تهدید امنیت ملی برای روسیه بوده است. به همین سبب روسیه بارها به گرجستان هشدار داده است، حق حسن همجواری و همسایگی را رعایت و از ورود نیروهای نظامی ناتو به قلمرو خود ممانعت کند، موردی که هیچ‌گاه آن را رعایت نکرده و حتی سبب تهدید مستقیم مرزهای روسیه شده است (امیر احمدیان، ۱۳۸۷، ۲۲).

مورد دیگری که سبب عکس‌العمل شدید روسیه گردید، اعلام استقلال کوزوو بدون رضایت کشور مادر (صربستان) و پشتیبانی ایالات متحده و اتحادیه اروپا از آن بود که با وجود مخالفت شدید روسیه، منجر به شناسایی بین‌المللی (متحدان آمریکا) گردید، هرچند گرجستان به دلیل داشتن شرایط مشابه در مورد اوستیا و آبخازیا با آن موافقت نداشت. روسیه اعلام کرد که این مورد سبب خواهد شد تا در اوستیای جنوبی، قره باغ و آبخازیا اعلام استقلال شود (امیر احمدیان، ۱۳۸۷، ۲۳)

ث- تبیین مفهومی علل مقابله روسیه با سپر دفاع موشکی آمریکا و ناتو:

روسیه استقرار سپر دفاع موشکی در کشورهای اروپای شرقی، از جمله چک و لهستان را وارد شدن آمریکا به حریم روسیه و تهدید موقعیت استراتژیک این کشور قلمداد می‌کند.

دلایل روسیه برای مخالفت با استقرار طرح سپر دفاع موشکی آمریکا و ناتو:

۱- روسیه پیگیری این طرح را تضعیف نظام بازدارندگی در نظام بین‌الملل می‌داند که به نا امنی در محیط بین‌الملل خواهد رسید.

۲- طرح سپر دفاع موشکی یک مسابقه تسلیحاتی جدید همانند دوران جنگ سرد ارزیابی می‌شود که هدف آمریکا کاهش شدت ضربه تلافی جویانه از سایر کشورهاست. بنابراین کشورهای چین و روسیه برای افزایش توان دفاعی خود به سوی رقابتهای تسلیحاتی پیش خواهند رفت.

۳- سپر دفاع موشکی مشروعیت بخشی به سیاست یک جانبه گرایانه و نظام تک قطبی امنیتی امریکاست (شیرازی، کریمی، ۱۳۸۸، ۴۳).

۴- ارتقاء سیستم‌های سپر دفاع موشکی و افزایش تعداد موشک‌های رهگیر در آینده از سوی آمریکا تهدیدی جدی علیه منافع روسیه است. این ارتقا می‌تواند قدرت ضربه زدن آمریکا به اهداف نظامی روسیه و نیز رهگیری موشک‌های روسی را افزایش دهد.

۵- موشک‌های رهگیر آمریکا در لهستان می‌توانند موشک‌های بالستیک بین قاره‌ای را رهگیری و منهدم کنند. آنها حتی قادر به انهدام سیلوهای موشکی روسیه در اطراف مسکو می‌باشند. موشک‌های رهگیر شلیک شده از لهستان می‌تواند ۱۸-۲۵ موشک بالستیک بین قاره‌ای SS-25 روسیه مستقر در ۳۴۰ کیلومتری شمال غرب مسکو را منهدم کنند.

۶- رهگیری موشک‌های پرتابی روسیه در مناطق مجاور بخش اروپایی آن راحت‌تر است. این سیستم می‌تواند تمام موشک‌های روسی شلیک شده از غرب اورال به سمت خاک آمریکا را رهگیری کند.

۷- آمریکا به دنبال ایجاد یک سیستم دفاع موشکی چند لایه است. لایه اول این سیستم در خاک آمریکا (در آلاسکا و کالیفرنیا) مستقر شده است. انتخاب لهستان و چک به دلیل نزدیکی به مناطق اروپایی روسیه به منظور افزودن لایه دوم به لایه اول است (قهرمانپور، ۱۳۸۷، ۱۳).

۱- چالش‌های دفاع موشکی روسیه با ناتو یا شروع جنگ سرد جدید

نشانه‌هایی از وجود مسابقه جدید تسلیحاتی میان شرق و غرب وجود دارد که انسان را ناخودآگاه به یاد وضعیت سال‌های جنگ سرد اول می‌اندازد. پس از آنکه آمریکا تصمیم گرفت در دو کشور عضو ناتو در اروپای شرقی، سیستم دفاع موشکی برپا کند، بار دیگر تنش‌ها در روابط آمریکا و روسیه به اوج خود رسید. بر همین اساس بود که پوتین هشدار می‌دهد که جنگ سرد جدیدی در حال تصمیم‌گیری است (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۸۷، ۱۱۸).

نخستین دلیل مخالفت روسیه با نصب سامانه دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی این بود که روسها خود را در مناسبات با آمریکا و ناتو زیان دیده می‌دانستند، از نظر تصمیم‌گیرندگان روسیه، اعلام این طرح از سوی آمریکا نتیجه سکوت و ممانعت روسیه در برابر گسترش ناتو به شرق و خروج آمریکا از پیمان MBA طی دوره نخست ریاست جمهوری پوتین است. تا آنجا که دیگر مقامات مسکو حاضر به نرمش‌های بیشتر نبودند. وی این تصمیم آمریکا را اشتباهی جدی خواند و اعلام کرد که روسیه مسئله بازنگری درباره پیمان MBA را که سنگ بنای هسته‌ای و استراتژیک در جهان پس از جنگ سرد است؛ مورد توجه قرار می‌دهد (میرفخرایی، ۱۳۹۲، ۱۵۵).

از سوی دیگر روسها شواهدی را دست داشتند که واهمه آنها را از استقرار این سامانه دفاع موشکی شدت می‌بخشید. نمونه چنین شواهدی را می‌توان در مقاله‌ای که در نشریه متعلق به وزارت دفاع آمریکا چاپ شده بود، میتوان دید. در این گزارش آمده بود که روسیه را باید به منزله یکی از دولتهایی که لازم است در تیررس تسلیحات هسته‌ای باشد، در نظر گرفت. (Gordon, 2003)

در همین حال استقرار سامانه دفاع موشکی ناقض تعهد سیاسی بود که ناتو و واشنگتن در ۱۹۹۶ بر عهده گرفته بودند. بر اساس آن توافق، ناتو و آمریکا متعهد شده بودند که نیروهای هسته‌ای خود را در قلمروی سرزمینی اعضای جدید خود مستقر نکنند. برای روسیه اجرای این طرح تنها یکی از مجموعه نقض تعهداتی است که آمریکا همواره از دهه ۱۹۹۰ مرتکب آن شده بود. شاید نخستین آنها تعهدی بود که چندین کشور غربی و از جمله آمریکا در آغاز دهه ۱۹۹۰ به گورباچف دادند مبنی بر اینکه ناتو هیچگاه به سمت شرق گسترش نخواهد یافت (goldgeier and mcfaul, 2003, 203).

روس‌ها به طور مشخص نسبت به هرگونه اقدامی که توان بازدارندگی آنها را به سطح نیروهای متعارف کاهش دهد، حساس و بیمناک‌اند. در حقیقت ارتش روسیه پس از تجربه بیش از پانزده سال فرسودگی ناشی از تحولات مربوط به فروپاشی اتحاد شوروی، به تازگی توانسته است پرتوی از قدرت سابق خود را بازیابد. از آنجا که برای مقامات امنیتی و نظامی روسیه تقویت قوای هسته‌ای خود برای دفاع سرزمینی، ضرورتی انکارناپذیر است، بدیهی است که آنان مخالفت بیشتری را با استقرار سامانه دفاع موشکی در اروپای شرقی از خود نشان خواهند داد (arbatov and dvorikin, 2006, 3).

اظهار نظرها و نزدیکی محل‌های تعیین شده از سوی آمریکا به مرزهای روسیه، این نگرانی را برای مسئولین کاخ کرملین ایجاد کرد که ایالات متحده این سیستم‌ها را برای مقابله با سلاح‌های استراتژیک روسیه و بر هم زدن موازنه قدرت استراتژیک با روسیه مستقر کرده است. نظرات کارشناسان امور نظامی این نگرانی‌ها را دو چندان کرد. ولادیمیر بلوس از جمله متخصصین سلاح‌های ضد موشک در روسیه بود که در این باره اظهار داشت: «شرایط جغرافیایی استقرار سپر دفاع موشکی، هیچ جای شکی باقی نمی‌گذارد که هدف اصلی، چین و روسیه است» (میرفخرایی، ۱۳۸۶، ۱۰۹).

برای روس‌ها که شاهد انقلاب‌های رنگین در منطقه تحت نفوذ سستی خود و کشورهای اوکراین و گرجستان بودند، اینک مشاهده و استقرار موشک‌های آمریکا در دو کشور دیگر تحت نفوذ سابق این کشور در دوران جنگ سرد و نزدیکی بیش از پیش جمهوری‌های تحت اختیارش به آمریکا به هیچ وجه پذیرفتنی نبود. گسترش ناتو به شرق طی سال‌های قبل از آن و به عضویت درآمدن کشورهای چک، لهستان، آذربایجان، گرجستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان در آن، شروع مذاکرات برای پیوستن آلبانی و کرواسی و مقدونیه به این سازمان نقش مهمی در ایجاد این بدبینی بازی کرد. در نتیجه احساس اینکه استقرار سیستم دفاع موشکی مکمل طرح گسترش ناتو به شرق است، روس‌ها را به واکنش شدید علیه این تصمیم آمریکا واداشت و بحرانی جدید برای جامعه بین‌الملل رقم زد (میرفخرایی، ۱۳۸۶، ۱۰۹).

۲- اقدامات عملیاتی روسیه در برابر سپر دفاع موشکی ناتو:

روسیه به منظور مقابله با این طرح روشهای مختلفی را اتخاذ کرد که در ذیل به سه وجه از آنها اشاره میشود:

۱- تعلیق عضویت در پیمان نیروهای متعارف اروپا، اهمیت این پیمان از آن روست که صاحب نظران مسائل استراتژیک آنها را پارامترهای موازنه تسلیحات هسته‌ای و متعارف در اروپای پس از جنگ سرد میدانند، همچنین روسیه تهدید کرد که موشکهای کوتاه برد و متوسط خود را به سمت تاسیسات سپر دفاع موشکی در لهستان نشانه خواهد گرفت.

۲- توسعه توان موشکی روسیه شامل اظهار نظر ایوانف وزیر دفاع وقت روسیه، در نوامبر ۲۰۰۸ که اشاره کرد روسیه تا سال ۲۰۱۵، پنج فروند موشک اسکندر خود را در کالینگراد مستقر خواهد کرد. برد چهارصد کیلومتری این نسل از موشکها نشان میداد که روسها میتوانند تا قسمت اعظم خاک لهستان، بخشهایی از المان و نیز جمهوری چک را نشانه روند. افزون بر آن، روسیه اعلام کرده بود که در حال تولید موشکهای بالستیک میان قاره‌ای جدیدی به نام بولاواست. بولاوا نام زبر دریایی‌هایی است که توانایی پرتاب موشک‌هایی با برد ۵ هزار کیلومتر را دارند (key, 2009, 6).

وجه سوم تهدیدات روسیه، استفاده از عامل انرژی در معادلات استراتژیک است. روسیه با آگاهی از اینکه بیشتر اعضای ناتو، به واردات نفت و گاز این کشور وابسته‌اند، کوشیده است تا با فرستادن نشانه‌هایی در این باره، واهمه آنها را در حمایت از سیستم دفاع موشکی آمریکا برانگیزد. برای مثال در نمونه‌ای کوچک در این باره، به فاصله سه روز پس از آنکه چک معاهده استقرار سیستم رادار دفاع موشکی آمریکا در خاک خود را امضا کرد، روسیه بخش عمده‌ای از صادرات نفت خود را به این کشور قطع کرد (key, 2009, 7).

با روی کار آمدن اوباما و تلاش دولت وی برای پایه‌گذاری روابط جدید با روسیه، آمریکا طرح استقرار سپر دفاع موشکی را که قرار بود در دو کشور لهستان و چک مستقر شود، در سال ۲۰۰۹ لغو کرد و بعداً طرح محدودتری را مورد توجه قرار داد. با توجه به اینکه طرح استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در شرق اروپا از سوی روسها تهدید امنیت

ملی قلمداد شده و آنها را به واکنش‌های متعددی وا داشته بود، لذا روابط سرد میان دو طرف را بهبود بخشید و حساسیت موجود را در نزد روسیه برطرف کرد. البته این پایان کار سپر دفاع موشکی نبود، زیرا اوباما هنگام اعلام قصد آمریکا مبنی بر صرف نظر کردن از این طرح، از طرح جدیدی خبر داد که هم از سامانه مقرون به صرفه‌تر و فناوری پیشرفته‌تری نسبت به سامانه دفاع سپر موشکی برخوردار بود و هم منافع روسیه را در نظر می‌گرفت. در واقع آمریکایی‌ها نه تنها از ایجاد یک سپر دفاع موشکی در شرق اروپا صرف نظر نکردند، بلکه تاکید کردند که قصد دارند آن را در شکل و شمایلی جدیدتر و احتمالاً در کشوری دیگر مستقر بکنند (بهمن، ۱۳۹۰، ۳۲).

براساس این طرح آمریکا که در تلاش‌های خود به منظور استقرار سامانه دفاع موشکی در مجاورت روسیه با چالش‌های متعددی مواجه شده بود، سعی کرد از طریق ناتو وارد شود و به این ترتیب کشورهای نظیر ترکیه و روسیه را با خود همراه سازد. در واقع سران ناتو بر مبنای این طرح توافق کردند توانمندی‌هایشان را به منظور دفاع از مردم و تمامیت ارضی در برابر حملات قاره‌پیما گسترش دهند. در عین حال اعضای ناتو سعی کردند از همکاری روسیه در این پروژه موشکی برخوردار شوند، به همین علت رهبران ناتو از روسیه دعوت کردند تا به طرح سپر دفاع موشکی این سازمان بپیوندند. از سوی دیگر مدوودف موافقت کرد که کارشناسانی را برای حضور در طرح ایجاد این سپر اعزام کند (بهمن، ۱۳۹۰، ۳۲).

طرح جدید شامل چهار مرحله می‌شود:

- مرحله نخست با اعزام ناوموشک انداز «مونتری» به سواحل اروپایی تا پایان سال ۲۰۱۱ عملی خواهد شد. افزون بر آن موشک‌های رهگیر «Block IA3-SM» و ایستگاه رادار زمینه زمینی متحرک «2-AN/TPA» در جنوب اروپا تا پایان سال مستقر خواهد شد.
- در مرحله دوم طرح که تا پایان ۲۰۱۵ به اتمام می‌رسد، رادارهای مدرن و تکمیل شده و همچنین سپرهای موشکی «Block IB 3S-M» در رومانی مستقر خواهند شد.
- مرحله سوم تا پایان سال ۲۰۱۸ انجام خواهد گرفت و آمریکا باتری سامانه‌های دفاع موشکی «Block IIA3-SM» را در لهستان مستقر خواهد کرد.

- چهارمین مرحله قرار است تا پایان سال ۲۰۲۰ به انجام برسد و در چارچوب آن سامانه‌های دفاعی ضد موشکی «Block IIB3-SM» در اروپا مستقر خواهند شد که قادرند نه فقط موشک‌هایی با برد متوسط بلکه موشک‌های قاره پیمای «MBR» با برد ۵۵۰۰ کیلومتر را رهگیری کنند (بهمن، ۱۳۹۰، ج: ۳۳).

نگرانی روسیه در مورد این طرح شامل مرحله چهارم می‌شود، زیرا سه مرحله نخست، امنیت روسیه را به خطر نمی‌اندازد. در این بین، مرحله چهارم که قادر به رهگیری موشک‌های قاره‌پیما با برد متوسط می‌باشد، می‌تواند توان بازدارندگی روسیه را به شدت کاهش دهد (بهمن، ۱۳۹۰، ج: ۳۴).

به نظر می‌رسد روس‌ها از هم اکنون خود را برای مقابله با طرح سپر دفاع موشکی ناتو آماده کرده‌اند. در این جهت روس‌ها احتمالاً از راهکارهای متنوعی استفاده خواهند کرد که می‌تواند شامل موارد زیر باشند:

- انصراف از برچیدن لشکر نیروهای ویژه راهبردی موشکی روسیه در «کازیلسک» که به موشک‌های قاره پیمای «آر اس - ۱۸» که به برد ده هزار کیلومتر مجهز هستند؛

- ارتقای زرادخانه موشک‌های هسته‌ای و تولید موشک‌هایی که سرنگون کردن آنها سخت‌تر است. بر این اساس روسیه از یک سو به تقویت موشک‌های قاره پیمایی خواهد پرداخت که می‌توانند از چتر دفاعی سامانه ضد موشکی آمریکا بگذرند و رهگیری آنها را خشی سازند و از سوی دیگر، تولید موشک‌های کوتاه برد و میان برد را از سر خواهد گرفت.

- استفاده از فناوری‌های دقیق و ایجاد اختلالات رادیوالکترونیکی در مراکز سامانه ضد موشکی آمریکا در اروپا از منطقه کالینگراد.

- پیگیری سیاست‌های مستقل‌تر و چالش برانگیزتر از سوی روسیه در قبال یک جانبه‌گرایی‌های ایالات متحده آمریکا، به ویژه در مواردی که روس‌ها با آمریکا از اختلاف نظر برخوردار هستند (بهمن، ۱۳۹۰، ج: ۳۶)

دستاوردها

روسیه به شدت با گسترش ناتو مخالف است، اگر در زمان جنگ سرد، فاصله مرز شوروی با اولین پایگاه ناتو، ۱۵۰۰ مایل بود، الان با عضویت سه کشور حزه بالتیک یعنی

لتونی، استونی و لیتوانی این فاصله به ۲۲۰ مایل رسیده است و در صورت عضویت اوکراین و فنلاند، ناتو با روسیه هم‌مرز می‌شود و با شهرهای استراژیک روسیه فاصله چندانی نخواهد داشت. به همین خاطر روسیه دست به هر کاری خواهد زد تا اوکراین به عضویت ناتو در نیاید. از جمله اقدامات دیگر چین و روسیه در مقابله با فرایند گسترش می‌توان به تلاش برای رقابت‌های نظامی - امنیتی اشاره نمود. از جمله موارد رقابت‌های نظامی - امنیتی می‌توان به انصراف از اجرای پیمان استارت ۲، تلاش برای تقویت بعد نظامی اتحادیه CIS، برقراری پایگاه‌های نظامی در کشورهای آسیای مرکزی نظیر ازبکستان اشاره نمود.

از دیگر اقدامات روسیه در این زمینه می‌توان به تلاش برای گسترش ترتیبات امنیت منطقه‌ای مانند سازمان شانگهای اشاره نمود. در این زمینه می‌توان به تقویت بعد نظامی - امنیتی سازمان شانگهای و برگزاری تمرینات و مانورهای مکرر نظامی در چارچوب اعضای پیمان شانگهای اشاره نمود.

ضمناً روسیه اقدامات دیگری نظیر تدوین دکترین‌های نظامی خود در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۰ و ۲۰۰۸ و ۲۰۰۱ و ۱۹۹۷ و ۱۹۹۳، و همچنین تدوین دکترین ۲۰۲۰ اشاره نمود. در مورد این دکترین‌ها لازم به ذکر است که در اسنادی که تا قبل از سند دکترین ۲۰۰۸ منتشر می‌شد، به صورت تلویحی به خطر گسترش ناتو و لزوم مقابله با آن اشاره می‌شد، اما آغاز مذاکرات مقدماتی عضویت گرجستان و اوکراین به ناتو در اجلاس سران ۲۰۰۸ ناتو و وقوع بحران آبخازیا در تابستان همین سال، باعث گردید تا در دکترین ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰، خطر گسترش ناتو به صورت علنی مطرح شده و لزوم برخورد قاطع‌تر با آن مطرح شود. همچنین در اسناد دکترین‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۱۴، به دلیل وقوع بحران اوکراین و افزایش تنش میان روسیه و ناتو، خطر ناتو به عنوان تهدید آینده امنیت ملی روسیه شناسایی شده و بر اساس این اسناد لزوم کاربرد تسلیحات اتمی روسیه به منظور مقابله با گسترش ناتو تجویز شده است.

یکی دیگر از اقدامات روسیه در این زمینه، مقابله با استقرار سپر دفاع موشکی در اروپای شرقی می‌باشد. در این مورد روسیه اقداماتی نظیر انصراف از برچیدن سامانه موشکی S-500 و S-400، استقرار لشکر نیروهای ویژه راهبردی در امتداد مرزهای غربی خود، استفاده از فناوری‌های نوین جنگ الکترونیک به منظور ایجاد اختلال در رادارهای

سپر دفاع موشکی ناتو و تهدید به نصب مجدد موشک‌های اتمی خود در امتداد مرز کشورهای حوزه بالتیک که عضو ناتو هستند، می‌باشد.

در مورد بحران آبخازیا در تابستان ۲۰۰۸ و حمله نظامی روسیه به گرجستان، باید اذعان نمود که یکی از شرایط کلیدی ناتو برای پذیرش اعضای جدید، توانایی کشور مورد نظر برای تامین امنیت و استقلال سیاسی خود است و کشوری که دچار جنگ، ناامنی و آشوب شود، فاقد این شرایط می‌باشد. یکی از دلایل حمله روسیه به گرجستان، اطلاع از این شرایط و به منظور خارج کردن گرجستان از لیست کشورهای اقدام برای عضویت ناتو می‌باشد. در مورد اوکراین هم، دولت روسیه از همین الگو استفاده نموده و با الحاق شبه جزیره کریمه به خاک خود و حمایت از جدایی طلبان اوکراین، الحاق اوکراین به ناتو را حداقل برای چند دهه به تعویق انداخته است. از سوی دیگر روسیه در جریان حمله نظامی سال ۲۰۰۸ به گرجستان و بحران اوکراین در دو سال اخیر، با بهره‌گیری از مدل دیپلماسی قایق‌های توپ دار به طور واضح و علنی به غرب و ناتو نشان داده است که مناطق حیاتی نظیر اوکراین و قفقاز به مثابه خط قرمز روسیه هستند و این کشور به هیچ وجه تحمل نمی‌کند.

نگارندگان معتقدند روسیه مناطق استراتژیکی نظیر منطقه قفقاز و اوکراین را به مثابه شاه‌رگ حیاتی خود تلقی مینماید. به همین سبب در تلاش است تا به هر وسیله ممکن حتی به قیمت بر هم خوردن جریان مبادلات علمی و تکنولوژیک خود با دنیای غرب از گسترش ناتو به این مناطق و عضویت کشورهای این مناطق در ناتو جلوگیری به عمل بیاورد. نمونه عینی این امر در حال حاضر در وضعیت میدانی اوکراین در طی بحران فعلی و اقدام روسیه برای جدا کردن شبه جزیره کریمه از اوکراین و الحاق آن به خاک خود، و تهدید به استقرار موشک‌های هسته‌ای در امتداد مرزهای غربی خود با اوکراین در صورت پیوستن اوکراین به ناتو در سال ۲۰۰۸ میلادی که این تهدید روسیه منجر به خارج شدن موضوع عضویت اوکراین، به دلیل مخالفت آلمان مبنی جدی تلقی کردن تهدید روسیه گردید، ظهور و بروز پیدا کرده است.

نگارندگان معتقدند که در مجموع، سازمان ناتو به منظور برخورد با چالش‌های فرایند گسترش باید به صورت ریشه‌ای و قطعی، اقدام به درمان این معضلات بپردازد. برای مثال

ناتو باید به بررسی و شناخت ویژگی‌های هر جامعه‌ای که در آن به ماموریت می‌پردازد اقدام بنماید. برای تشریح این مسئله میتوان به مورد توهین سربازان ناتو به کتاب اسمانی قران مجید در افغانستان در سالهای گذشته اشاره نمود. عواقب چنین اتفاقاتی می‌تواند برای دهه‌ها گریبان گیر ناتو بشود. به همین دلیل ناتو باید به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های روانشناختی و جامعه‌شناسی هر کشوری در آن ماموریت دارد، بپردازد.

از سوی دیگر ناتو و غرب به منظور رقابت با روسیه باید به خوبی این نکته را مد نظر داشته باشند که شرایط دنیای امروز بسیار متفاوت از دهه ۸۰ میلادی است که امریکا از طریق رقابت نظامی، فروپاشی شوروی را تسریع نمود. روسیه در حال حاضر هم از نظر اقتصادی و هم از نظر تکنولوژیک بسیار جلوتر از شوروی دهه ۸۰ میلادی است. از سوی دیگر غرب باید بداند که با توجه به سه عامل لشکر کشی امریکا به افغانستان و عراق و تحمیل هزینه‌های سنگین اقتصادی و نیروی انسانی و برانگیخته شدن مخالفت افکار عمومی غرب، بحران اقتصادی که از سال ۲۰۰۸ میلادی گریبان اقتصاد غرب را گرفته است و ظهور رقبای قدرتمندی نظیر ژاپن چین و هند، دیگر آن توان اقتصادی دهه ۸۰ میلادی به منظور تقبل هزینه‌های سنگین رقابت تسلیحاتی با روسیه را ندارد.

بنابراین راهکار رقابت نظامی با روسیه برای غرب و ناتو گره گشا نیست و غرب باید از طریق رقابت اقتصادی و تکنولوژیک و تلاش برای ترویج و نهادینه سازی فرهنگ دموکراسی در کشورهای اروپای شرقی و در نتیجه آن رسوخ موج دموکراسی به درون جامعه روسیه، سعی در به چالش کشیدن اقتصاد تک محصولی و نظام اقتدارگرای این کشور و در نتیجه آن به چالش کشیدن سیاست خارجی روسیه در قبال فرایند گسترش بنماید. به بیان دیگر اتخاذ سیاست‌های دفاعی امنیتی از سوی ناتو در مناطقی که روسیه بر آنها حساسیت ویژه دارد تنها سبب میشود تا کنش سیاست خارجی روسیه رادیکال‌تر بشود و هزینه‌های دیگری به غرب تحمیل گردد.

در نهایت و با توجه به عوامل فوق نگارندگان بر این اعتقاد هستند که روسیه تهدید گسترش ناتو به شرق را کاملاً جدی تلقی نموده است و تنها به یک اقدام یا سیاست برای برخورد با این فرایند اکتفا نکرده است، بلکه در تلاش است با اتخاذ و انجام طیف وسیعی از اقدامات و بسیج نمودن تمامی امکانات بالفعل و بالقوه با این فرایند مقابله نماید و حداکثر

ضربه ممکن را به این برنامه استراتژیک ناتو وارد نماید تا بتواند مشروعیت فرایند گسترش را خدشه دار نماید. از سوی دیگر باید به این نکته حیاتی توجه داشت موفقیت این مساله برای روسیه اهمیت مرگ و زندگی دارد. چرا که اگر روسیه در مقبله با فرایند شکست بخورد و ناتو بتواند دامنه گسترش خود را به مناطقی نظیر قفقاز و اوکراین تسری بدهد، دامنه قدرت و هژمونی روسیه در مقایسه با رقبایی نظیر امریکا و چین از یک قدرت جهانی به یک قدرت منطقه‌ای کاهش پیدا می‌کند. به همین دلیل میزان موفقیت روسیه در جریان این مقابله اهمیتی فراتر از حد تصور برای این کشور پیدا کرده است.

پی‌نوشت‌ها:

کتاب

۱. رابرت جکسون، گئورگ سورنسن، *درآمدی بر روابط بین‌الملل*، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی زاده حسین سعید کلاهی، میزان، تهران، ۱۳۹۰.
۲. قوام، عبدالعلی، *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*، سمت، تهران، ۱۳۹۰.
۳. مشیرزاده، حمیرا، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، سمت، تهران، ۱۳۹۱.
۴. میرفخرایی، حسن، *روسیه و ناتو*، مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۹۲.

مقالات

۱. امینی، آرمان، موسوی، محمدرضا، *شانگهای: منطقه‌گرایی نوین و تهدید منافع آمریکا در آسیای مرکزی*، فصلنامه راهبرد، شماره ۶۹، ۱۳۹۲.
۲. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله، کریمی، عاطفه، *سیاست‌های چین و روسیه در ترتیبات امنیت منطقه‌ای سازمان شانگهای*، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، شماره ۶، ۱۳۸۸.
۳. ارشادی، جواد، *دکترین جدید نظامی روسیه و مخاطرات ناتو*، فصلنامه *ایراس*، شماره ۲۷، ۱۳۸۸.
۴. امیری، مهدی، *ارزیابی رهنامه نظامی جدید روسیه*، فصلنامه *راهبرد دفاعی*، شماره ۳۰، ۱۳۸۹.
۵. امیراحمدیان، بهرام، عسگری، حسن، *بحران اوستیای جنوبی، ریشه‌های پیامدها و چشم اندازهای آینده*، فصلنامه *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۰، ۱۳۸۸.
۶. امیر احمدیان، بهرام، *جنگ قفقاز یازده سپتامبر روسیه*، فصلنامه *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۳، ۱۳۸۷.
۷. ایمانی، همت، *گسترش ناتو و آثار آن بر سیاست‌های امنیتی روسیه*، ماهنامه *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۷ و ۸، ۱۳۸۹.
۸. بهمن، شعیب، *روسیه و ناتو چالش‌های دفاع موشکی*، ماهنامه *خلیج فارس و امنیت*، شماره ۱۱۸، ۱۳۹۰.
۹. زهرانی، مصطفی، فرجی، تیمور، *منابع بین‌المللی راهبرد امنیت ملی ۲۰۲۰*، فدراسیون روسیه، فصلنامه *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۸۵، ۱۳۹۳.

۱۰. عابدی، عقیقه، رقابت ناتو و شانگهای در آسیای مرکزی و راهبرد ایران، ماهنامه اطلاعات راهبردی، ش ۸۲، ۱۳۸۹.
۱۱. قهرمانپور، رحمان، ابعاد نظامی و سیاسی استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در لهستان و چک، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۸، ۱۳۸۷.
۱۲. کرمی، جهانگیر، سیاست امنیتی روسیه و مسئله ناتو، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۳، ۱۳۸۳.
۱۳. میرفخرایی، حسین، بحران استقرار سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی اهداف و پیامدها، پژوهش نامه حقوق و سیاست، شماره ۲، ۱۳۸۶.
۱۴. هادیان، حمید، روسیه و سازمان همکاری شانگهای بازگشت به ژئوپلیتیک و توازن قدرت، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، شماره ۳۰، ۱۳۹۰.
۱۵. یزدانی، عنایت الله، مجتبی، تویسرکانی، سازمان همکاری شانگهای و روند چند جانبه گرایی در نظام بین‌الملل، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۷، ۱۳۸۶.
۱۶. یزدانی، عنایت و تویسرکانی، تحولات قفقاز گامی دیگر در مسیر جنگ سرد جدید؟، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. شماره ۶۳، ۱۳۸۷.

اینترنت

- ۱- کلینی، محمدفرهاد، رویارویی با ناتو در دکترین نظامی روسیه، پایگاه خبری-تحلیلی دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳.
- ۲- پوتین دکترین نظامی جدید روسیه را امضا کرد، ناتو تهدید شماره یک روسیه، پایگاه خبری-تحلیلی میلیتاری، ۱۳۹۳.

English sources

1. arbatov, Alexei and Vladimir dvorkin. 2006, beyond nuclear deterrence: transforming the u.s_russian equation, washington; Carnegie endowment for inter national peace, .
2. barber, lionel and others, medvedev wans against expanding Nato east, ,available at: www.ft.com, march 2008
3. goldgeir, james and Michael mcfaul, power and purpose: u.s. policy toward Russia after the cold war, washington: brokings institution press, 2003.

4. gordon,Michael ,u.s.(. nuclear plan sees new target and new weapons), *new York times*,2003.
5. hoque,Sabrina., (the new cold war:examining the role of Nato in the Russia Georgia conflict).*a paper presented to the conference of defence of defence associations institute onartio:koyal military college Kingston*, 2008
- 6.key,sean, missile defence and the European security dilemma, *paper presented for presentation,annual meeting of the inter national studies association*,new York city, 2009
7. klussman,uwe and othrs, Natos eastward expansion:did the West Break its promise to Moscow,available at:www.natoinfo.com,2011.
8. megan slack,kosovo a frustration for Russia, *los angeles times*,2008.